



مالکیت فکری تأملاتی در مبنا و گستره کلامی از آیت‌الله هاشمی شاهرودی رئیس محترم قوه قضائیه*

بسم الله الرحمن الرحيم؛ ... نکاتی را در خصوص مالکیت معنوی ... عرض می‌کنم. این نکات اغلب جنبه نظری دارد، البته برخی در عمل نیز ممکن است، مؤثر باشد...

بحث من اگر مسائلی را برانگیزد مربوط به اصل و لزوم الحاق ابه کنوانسیون تأسیس سازمان مالکیت معنوی نیست، بلکه مربوط به بحثهای دیگر است که پس از الحاق باید در کمیسیونها و کمیته‌هایی مورد تحقیق و بازنگری و تأمل و پژوهش قرار گیرد....

تعریف مالکیت معنوی

اولین جهتی که در مالکیت معنوی مورد بحث فقها و حقوق‌دانان است، بحث تعریف آن است که آیا واقعاً این نوعی مالکیت است و واجد مشخصه دقیق مالکیت است یا مالکیت نیست و حق دیگری است؟ حقوق اعم از مالکیت است، مالکیت، حقی است که به اموال - چه منقول و چه غیر منقول - تعلق می‌گیرد، حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا امور معنوی مال است، آیا فکر

* سخنرانی مورخ ۷۹/۶/۱۹ در همایش ملی مالکیت معنوی، اصحیفه عدالت (مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله شاهرودی)، ج دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه،

مثلاً نوع سومی از مال است، یا نه مقصود این نیست که امور معنوی از قبیل فکر و هنر و صنعت مال باشد، بلکه مقصود این است که کسی که فکری را ابتکار می‌کند یک نوع حق برداشتی نسبت به ابتکار و نتیجه ابتکار خود دارد که دیگران حق استفاده از آن ابتکار را ندارند، این حق مالکیت نیست، بلکه یک نوع حق دیگری است که متعلق آن، مال نیست؟

معمولاً آنچه از نظر فقها و حقوق دانان مورد نفی قرار گرفته است، برگشت این حق به واژه مالکیت است که مشخصات تعریف مالکیت در آن صادق نیست. در نتیجه اگر این حق به شکل دیگری مطرح شود، مثلاً حق ابتکار به عنوان یک حق اولی برای مبتکر که نبودن آن سبب استفاده دیگران از محصول کار او و در نتیجه باعث ضرر او می‌شود، مطرح شود؛ منع فقهی و حقوقی نخواهد داشت و قانون قلمرو این حق را معین می‌کند تا دیگران حق استفاده از آن را نداشته باشند.

مالکیت معنوی از منظر تولیدکننده و مصرف‌کننده

حق یا مالکیت معنوی از دو منظر مورد توجه است:

اول؛ از منظر اختراع‌کننده. کسی که فکری را ابتکار می‌کند چه اندازه حق برداشت اختصاصی از محصول آن را دارد؟

دوم؛ از منظر مصرف‌کننده و جلوگیری از تقلب در اختراعات که موجب ضرر و زیان مصرف‌کننده است.

این دو منظر با هم تفاوت دارند و هر کدام قوانین خود را دارد. منظر اول متوجه نفع تولیدکننده است و منظر دوم توجه به منافع جامعه و ضرر و زیان مصرف‌کنندگان دارد و آن را مبنای قوانین قرار می‌دهد.

مبنای مالکیت معنوی در فقه اسلامی

آیا در فقه و حقوق اسلامی مبنایی برای حق معنوی وجود دارد یا نه؟ به نظر بنده ما می‌توانیم از مبانی مختلفی در فقه برای اثبات این حق استفاده کنیم زیرا دست‌کم از اموری است که نظم جامعه اسلامی اقتضای آن را دارد و

همین کافی است که تحت قلمرویی از احکام و قوانین که در اختیار حاکمیت اسلامی است، قرار داده شود و دستگاه قانون‌گذاری برای آن قانون وضع کند.

به عبارت دیگر از نظر فقهی معنی ندارد که حاکمیت اسلامی در جایی که مصلحت بداند قوانینی وضع کند و ممنوعیتهایی را ایجاد کند، مثل محدودیتهایی که در قوانین شهرداریها وضع می‌شود و الزام‌آور است. پس از نظر فقهی و شرعی مشکلی نداریم که به اقتضای مصلحت و برای حفظ حقوق معنوی افراد ممنوعیتهایی اعمال شود و این مغایر با حکم شرعی نیست، بلکه مانند دیگر محدودیتهایی است که در جامعه اسلامی برای برقراری نظم اجتماعی و رعایت مصالح عمومی اعمال می‌شود. مثلاً اگر استفاده از منافع مادی اختراعی محدودیت نداشته باشد، موجب ضرر مخترع خواهد شد و این مشمول ادله «لاضرر» است. علاوه بر این، بعضی از موارد حقوق معنوی در مباحث متفرقه‌ای از فقه وجود دارد.

مالکیت معنوی و عدالت اجتماعی

حق مالکیت معنوی بی‌شک هم برای صاحبان این حق از قبیل مؤلفان و مخترعان، منافع و فوایدی دارد و هم به واسطهٔ جلوگیری از تقلب و بدل‌سازی، منافی برای مصرف‌کنندگان دارد. اما همهٔ منافع و مسائل مربوط به مالکیت معنوی، منحصر در این دو بُعد نیست و باید مسائل دیگری را هم مدنظر قرار داد. در تصویب این قوانین و ممنوعیتهایی که با عنوان مالکیت معنوی برای دیگران به وجود می‌آید و روز به روز بر گسترش این قبیل مقررات افزوده می‌شود، جای یک پرسش دیگر هم هست و آن اینکه آیا این ممنوعیتهای در همهٔ موارد به نفع همهٔ جامعه است یا ممکن است منشأ یک نوع انحصارگری شود؟ در این صورت دیگر افراد جامعه، نمی‌توانند از ابتکاراتی که مخلوق ذهن اجتماعی بشر است، استفاده کنند. این شخص مخترع و مبتکر هم علوم بسیاری را از دیگران گرفته و از آن استفاده کرده تا توانسته

وسيله‌ای را تولید کند، پس آنها هم به نوعی در این اختراع سهیم‌اند. البته در شرایط فعلی غالباً خود اختراع‌کننده سود چندانی از اختراع خود نمی‌برد، بلکه سود به شرکتهایی تعلق می‌گیرد که اختراع را می‌خرند. بنابراین، لازم است قوانین مالکیت معنوی از منظر عدالت اجتماعی نیز مورد توجه قرار گیرد، شاید عدالت اجتماعی ایجاب کند که جلوی انحصارها گرفته شود، چون این گونه انحصارها آفت توزیع عادلانه ثروت در جامعه است.

امکان سوءاستفاده جهان سرمایه‌داری از مالکیت معنوی

مسئله دیگر در باب مالکیت معنوی، توجه به پیامدهای بین‌المللی آن است. جهان کنونی به دو بخش کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال رشد تقسیم شده است. این احتمال باید مورد توجه قرار گیرد که در چنین وضع بین‌المللی، جهان پیشرفته، مسئله مالکیت معنوی را به عنوان ابزاری برای جلوگیری از رشد علمی و ابتکارات و خلاقیت‌های جهان رو به رشد به کار گیرد. این مسئله دستاویزی برای توجیه سودآوری‌های نامشروع و نظام‌های غیرصالح اقتصادی در کشورهای پیشرفته و عقب‌نگه داشتن کشورهای در حال توسعه شود.

در مسئله مالکیت معنوی باید تمام ابعاد در نظر گرفته شود و تنها به بُعد حقوقی موضوع تکیه نشود و مقررات این مالکیت طوری تنظیم شود که تمام مصالح فرد و جامعه را به شکل متعادل در برگیرد. امیدواریم این بحثها با حضور فقها و فضلاء حقوق‌دان و کسانی که در این مسائل صاحب‌فکرند، مورد توجه دقیق و کامل قرار گیرد. اگر این بررسی دقیق و کارشناسانه انجام شود، شاید بتوانیم در مقوله مالکیت معنوی الگوی کامل‌تری به دنیا ارائه دهیم که ضمن داشتن محسنات قوانین فعلی مالکیت معنوی، معایب و مضار آن را از قبیل تضییع حقوق دیگر شهروندان و یا انحصارگری و سودبری شرکتها و سرمایه‌داران، نداشته باشد و به عبارتی بتوانیم الگوی اسلامی مالکیت معنوی را پیاده کرده و به دنیا عرضه کنیم.



شهرت‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اقتراح

○ مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران؛ وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا
